

ضایعات ناشی از

مهاجرت

روستائیان

قسمت دوم

اشاره:

در شماره قبل ضمن بیان تاریخچه مهاجرت روستائیان کشورمان به شهرهای بزرگ گفتیم که قبل از ورود استعمار به صحنه سیاسی-اقتصادی جامعه سنتی ما، مهاجرت از روستاها پدیده‌ای بود که با تفاوت تقویم زراعی و منظور بهره‌گیری از اوقات فراغت، چند ماهی از سال را به خدمات کوچک شهری میپرداختند و دوباره در فصل کار به روستای خود باز می‌گشتند، و یا عارضه‌ای بود ناشی از حمله دشمنان طبیعی و انسانی. اما با ظهور استعمار و بخصوص سیاستهای فعال امپریالیسم آمریکا، مهاجرت روستائیان از نظر کمی و کیفی تغییرات اساسی یافته و رشد چشمگیری پیدا کرده است.

اینک به بررسی علل مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ (بخصوص پایتخت) میپردازیم.



عوامل مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ

* آهنگ رشد

مهاجرت در بعضی از مناطق کشور، از افزایش درصد مهاجرت در قرن نوزدهم (هنگام صنعتی شدن اروپا) هم بیشتر است.

* در مناطق

روستائی اراک ۹۷/۴٪ از مهاجران در گروه سنی ۱۴ تا ۳۵ سال (نیروهای فعال) بوده‌اند.

از بعد سیاسی بی‌شک مولود اطاعت بی‌چون و چرای حکام این گونه جوامع از خواستها و منافع دول استعمارگر و سرمایه دار میباشد، حاکمانی که سراز یا نشاخته، یا از روی جهل و یا ضعف مغز، مجری سیاستهای خائنانه دول چپاولگر شرق و غرب شده‌اند و حقوق مردم و سعادت آنانرا از یاد برده‌اند. این نوکران سرسپرده که بدنبال «سراب تمدن» و یا حداقل دروازه آن هستند توده انبوهی از دهقانان و دامداران را به بهانه هائی چون رشد صنعت، رسیدن به رفاه بیشتر و تامین اقتصادی زندگی، از زادگاه خود حرکت میدهند و به شهرها می‌کشاند. اینگونه شهرهای بزرگ پایگاه چپاول جهانخواران شده و به مراکز سیاسی و اداری و تجاری آنها بدل گردیده است. حکام خودفروخته و خائن با بهره‌گیری از دستگاه عظیم بوروکراسی حاکم بر این شهرها تمام نیروی خود را صرف مبادله مواد خام (عموما نفت) با مواد مصرفی ساخت کشورهای سلطه‌گر کرده‌اند، تا این حد که ترقی او توسعه اینگونه شهرها که بیشتر به غنای سرطانی شبیه‌اند، بستگی به افزایش میزان یا قیمت مواد خام اولیه صادراتی آنها دارد. رشد صنعت و نیرو گرفتن بخشهای تولیدی که بوسیله سازندگان و طراحان این شهرها، به عنوان اصلی‌ترین دلیل رشد و توسعه بیان میگردد، یک ادعای

عوامل مهاجرت روستائیان :

در ابتدای این بحث به تحلیل کلی بروز پدیده مهاجرت در ممالک مستضعف جهان (جهان سوم) میپردازیم: ناگفته نماند که تعمیم مسئله به ممالک مستضعف جهان ضمن اینکه اهمیت موضوع و عمق آنرا بیان میدارد، ما را به یک چاره‌جویی جهان شعول نیز واقف میکند. زمانی که به آمارهای منتشر شده نظر میافکنیم ملاحظه مینمائیم که مثلاً مجموع جمعیت شهرهای یکصد هزار نفری یا بیشتر، در قاره آسیا بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ از ۱۹/۴ میلیون به ۱۰۵/۴ میلیون افزایش پیدا کرده و هم اکنون به حدود یک میلیارد نفر رسیده است. و اگر میزان رشد جمعیت را در قاره آسیا که میزانی ثابت در نظر بگیریم با افزایش میزان مهاجرت و گریز بیهوده دهقانان از روستا به شهر بی‌خواهیم برد، بدینست بدانیم که آهنگ رشد این نوع مهاجرت در بعضی مناطق از افزایش درصد مهاجرت در قرن نوزدهم هنگام صنعتی شدن اروپا هم بیشتر است این پدیده

واهی بیش نیست. زیرا که با صدور این ظواهر صنعتی (صنعت مونتاژ از کشورهای سرمایه داری به کشورهای توسعه نیافته و رویه رشد آنها تنها صنعتی صادر نمیشود بلکه با انتقال صنایع مونتاژ به این کشورها، هم فاصله تولید تا مصرف کم شده است و هم از نیروی کار ارزان این کشورها (دهقانان مهاجر به شهرها) استفاده گردیده، و در واقع این صنایع مونتاژ گرچه دورنمای دلفریبی را برای ساده دلان ارائه میدهد اما حقیقتاً چیزی بجز ابزار تحول یافته استعمار به حساب نمی‌آیند با صدور سرمایه استعمارگران دیگر محتاج کشتیهای برده‌کشی نیستند بلکه خود به بیشواز بردگان میروند و با

مهاجرت بپردازیم، آنرا در دو حوزه شهر و روستا و از ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در نظر می گیریم. به این ترتیب که ابتدا عوامل درونی که باعث دفع روستائیان میشود و سپس عوامل بیرونی که باعث جذب روستائی به شهر میشود را مورد نظر قرار میدهم. (با این تصور که این عوامل در عین ارتباط دقیقاً متاثر از همدیگر هستند)

۱- عوامل دفع روستائیان از روستا (عوامل درونی مهاجرت)

*** درصد دانش
موزان بالای هفت سال
کشور در شهرها ۹۰٪ و در
روستاها ۳۹٪ است.**

پهن کردن بساط سرمایه گذاری خویش به تاسیس قطبهای قوی جهت جذب نیروی کار میپردازند. این قطبهای کارنیروی خود را عموماً از میان روستائیان زبده و پرتوان جذب میکنند و آبادیها را به ضعف نیروی کارآمد انسانی مبتلا میسازند. مکمل طرح فوق که در تأمین نیروی انسانی شهرها و دفع روستائیان و دهقانان از روستا نقش اصلی را بعهده دارد. برنامه اصلاحات ارضی امیباشد. این برنامه در چندین کشور استعمار زده پیاده شده بجز تأمین اهداف سیاسی اجتماعی، اصلی ترین عامل کننده شدن دهقانان از روستا به شمار می آید.



هر عاملی که انسان را در بهره گیری از محیط طبیعی و انسانی اش با مشکل روبرو کند و در روند بهره وری او خلل وارد کند. خود بخود به عاملی «دفعی» تبدیل میشود. با اشاره به واقعیت فوق عوامل دفعی که روستائیان را از دیار و کاشانه اشان جدا میسازد میتوان به دو دسته تقسیم کرد.

۱- عوامل تاریخی و سنتی که قبل از ورود استعمار نیز روستائیان را به کندن از دیارشان وامیداشت (به گوشه ای از این عوامل در شماره قبل اشاره کردیم).

*** ۵۷/۴ درصد کل
مهاجران ۷ منطقه روستائی
ایران که روی به شهرها
آورده اند باسواد بوده اند.**

مهاجرت سیل آسای روستائیان کشور ما نیز همچون کشورهای فوق الذکر تابع همان سیاست کلی ویرانگرانه بوده است و با وجود جهل عمومی و زیرکی دشمنان باید به این حقیقت تلخ اذعان داشت که با این شرایط: مهاجرت روستائیان به شهر به همان اندازه طبیعی است که سرازیر شدن آب از ارتفاع ابر به گودی باتلاق و هراندازه هم که او عاشق همشینی با قتل مرتفع باشد فقر و فشار او را مغلوب چاذبه زمین میکند و مغلوب ناخواسته گدایدن. اگر بخواهیم به تجزیه و تحلیل عوامل

۲- عوامل دفعی که دست ساز سیاستهای استعمار است. دو دسته عوامل فوق دست به دست هم داده و امر مهاجرت را تسریع میسازند. ذیلا به بررسی اجمالی مجموعه این عوامل می پردازیم.

بیکاری پنهان در روستا

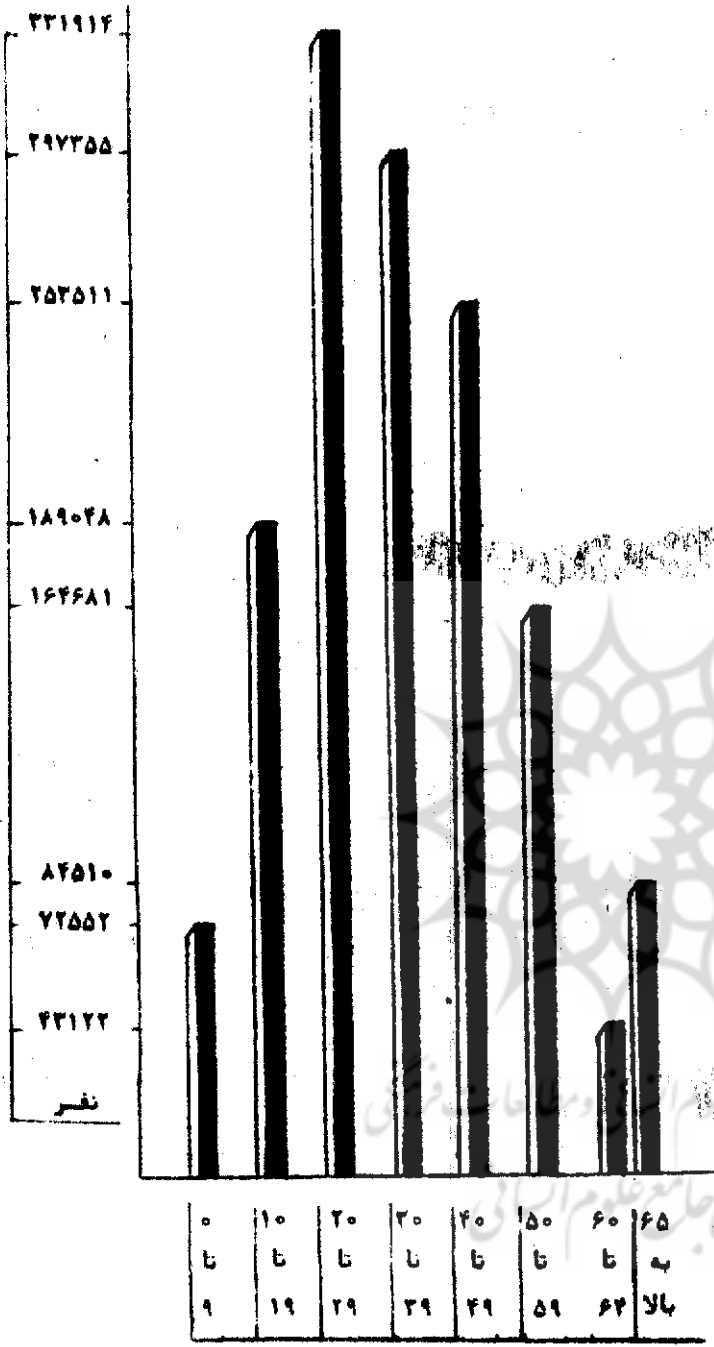
بیکاری یکی از عوامل عمده مهاجرت به حساب می آید. کار کشاورزی که از یک نظم کاری برخوردار نبوده و در فصلهای مختلف تراکم کاری و بیکاری را با خود به همراه دارد. کشاورزان را در فصل زمستان و بخشی از یائیز با بیکاری روبرو میکند. از آن مهمتر با اجرای برنامه اصلاحات ارضی

(که در فوق به اهداف ضد انسانی آن اشاره شد) قشری از رعایا صاحب زمینی اندک شدند و قشری دیگر از رعایا هیچگونه حتی از زمینها نبردند. به شکلی که از آن پس دو قشر زارع و خوش نشین از هدیه مجزا شدند. خوش نشینان دیگر جانی در زراعت درون روستا نداشتند چون از یکطرف زارعین تهیدست که خود و خانواده شان به خوبی توانائی اداره زمین خود را داشتند نیازی به نیروی کار خوش نشین ها نداشتند و از طرف دیگر غالب

*
مهاجرت
روستائیان به شهر به همان
اندازه طبیعی است که
سرازیر شدن آب از ارتفاع
ابر به گودی باتلاق.

مالکین نیز با بهره گرفتن از ماشین آلات کشاورزی خود را از هر مدعی دیگر برای اراضی اشان خلاص می نمودند و از بکار گیری نیروی کار ثابت جدا پرهیز می کردند. صنایع دستی درون روستا نیز که برای رقابت را با بازارهای شهری نداشتند. امکان هر نوع اشتغال را از بین برده بود بدینوسیله بازار کار در روستا به بیشترین رکود ممکن رسید و از پذیرش هر نیروی کار سر باز زد.

فقر و تنگدستی و عدم تسهیلات رفاهی، درمانی، آموزشی و مدرسه



در حدودار فوق میتوان میزان و نسبت مهاجرت را در گروههای سنی مختلف (در سطح کنور) مشاهده نمود. همانطور که مشاهده میشود بیشترین مقدار مهاجرت مربوط به گروههای سنی فعال جامعه (۱۹-۶۰) میباشد.

که از دیرباز با چهره روستاها عجین شده بود، رفت انگیز ترین حالت را برای روستاها پدید آورده بود معیشت روستایی قوت لایموتی بود که با زحمت فراوان بدست می آمد و غلظتین در آلام و امراض عارضه طبیی زندگی در روستاها بود، اصول ابتدائی بهداشت مفاهیمی غریب و زائد به حساب می آمد و شرایط رقت بار روستاها در حرکت بسوی دروازه تمدن! نه تنها بهبود نیافت بلکه روز بروز امکانات طبیی را چون نیروهای زاینده و جوان، منابع پاک و محدود غذایی صداقت و صفا، اخلاق و روابط سال سستی و را نیز از آنها گرفت. با سلطه سیاستهای اقتصادی، استعمار، کشاورزی دامپروری و صنایع روستایی به وصفی فلاکت بار افتاد میزان نسی درآمد و ارزش محصولات کشاورزی و دامی به حداقل رسید، به همین دلیل همراه با تقسیم مبادله پول و گسترش و تنوع مصرف، کالاهای زندگی (که معیار ارزش گزاریش پول بود) روستائیان را هم که میتوانستند تا قبل از تحولات فوق با اندک زمین خود قناعت کرده و زندگیشان را با تولیدات خود بچرخاند فلج ساخت، به این دلیل که آنها به دایره جدید تولید وارد شده بودند. میدانی که در آن نظام ارزش گذاری مبتنی بر بی ارزشی محصولات کشاورزی و تقدس کالاهای وارداتی بود نباید روابط فوق بسیاری از زارعین مشمول زمین اصلاحات ارضی نیز که دیگر توانائی گرداندن امورات زندگی راحتی بر حسب حداکثر فعالیت و تولید ایشان هم نداشتند بالا جبار و از روی اکره روانه شهر و جذب و هضم در سیستم اقتصادی مسلط بر شهرها ساخت مالکین نیز بدنبال کسب موقعیت بهتر و تحصیل فرزندانشان بودند، بنوبه خود روانه شهرها شدند.

۲ - عوامل جذب روستائیان به شهرها (عوامل بیرونی)

شهرهای مصنوعی که حوزه سود خیز استعمارگران است بعلت وفور و رونق سرمایه در آن به بازاری مناسب جهت نیروهای کار رانده شده از روستاها در می آیند و بازاری که در آن «بازوی مطیع» بدون قوت وقت جذب میشود. این عامل یعنی اشتغال و کار در شهر همراه با تفاوت فاحش و باور نکردنی میزان درآمد که نسبت آن در سالهای ۴۴ - ۱۳۴۳ - دو برابر روستا و در سالهای ۵۵ - ۱۳۵۴ به چهار برابر درآمد روستا درآمده بود. دست به دست هم داده و قوی ترین عامل جذب را شکل داده اند. بنا به آمار و علل مهاجرت (وزارت کار ۴۹ - ۵۰ - ۱۳۵۱) ۳/۲۱ درصد از کل مهاجران از خانواده ها و یا نیروهای کار آمد روستا بوده اند که بدنبال کار بهتر روانه شهرها شدند و بدنبال خود ۶۱٪ از کل دیگر مهاجرین که خانواده هایشان بوده اند را نیز به شهر آورده اند که مجموعاً می بینیم

۳/۸۲٪ درصد از کل مهاجرین بدنبال کار بهتر و گزرا ن زندگی روانه شهرها شدند.

مسئله مهاجرت روستائیان چنانچه گفته شد پیشتر متوجه نیروهای فعال و جوان روستائی است، بررسی هائی که در زمینه سن مهاجران روستائی به عمل آمده است براین امر تاکید میکند چنانچه مهاجران خانواده های روستائی بجز در گروه سنی ۱۴ تا ۲۵ سال قرار داشته اند این نسبت در مناطق روستائی اراک ۴/۹۷٪ درصد و قوچان ۹۵٪ و بیرجند ۷/۹۱٪ و بندر عباس ۸۶٪ درصد و مشهد ۲/۸۵٪ و کاشمر ۸/۸۱٪ و سبزوار ۹/۷۴٪ و خدلال ۶/۷۲٪ بوده است.

امکانات رفاهی:

در شهرها که زنگوله های دروازه تمدن را بیاد می آورد و از افتخارات استعمار و نوکران داخلی اش به حساب می آید از دیگر عوامل جذب روستائیان به شهر است. این امکانات چون آب بهداشتی و لوله کشی شده، برق، راههای عبور و مرور و حمل و نقل، همراه با محصولات و ابزار اعجاب برانگیز صنعتی، شهر را برای هر روستائی به هشتی می ماند که ورود به آن گرچه کمی ولوله و هراس دارد اما با کمی تمتع او را نمک گیر کرده و وطنش را از یادش میبرد.

امکانات درمانی و بهداشتی

که هر انسانی محتاج سلامت را مجبور به ترک از دیار میکند. اختلاف فاحش در توزیع امکانات بهداشتی و درمانی نه تنها بین شهر و روستا بلکه بین مراکز استان با پایتخت نیز نسبتی اعجاب برانگیز دارد. آنچنانکه نسبت بیمارستانهای استان ایلام با استان تهران به نسبت هفت هزارم و نسبت تحت بیمارستانهای این دو استان یک بانصم (سال ۵۴) و نسبت پزشک این دو استان یک دویست و پنجاهم است.

امکانات آموزشی:

نقش مهمی را در کشاندن اقشار مختلف روستائی حتی مالکین و خرده مالکین را به شهرها برعهده دارد بخصوص آنکه در رژیم گذشته نظام آموزشی و در آن تعیین کننده موقعیت اجتماعی و پست و مقام فردی در دستگاههای دیوان سالاری و درجه برخوردار وی از مواهب بادآورده بود کمتر از یک درصد از مهاجرین سالهای ۵۱ - ۴۹ بدنبال تحصیل مدرک دست به مهاجرت زده اند و به شهرها آمده اند. به علت تسهیلات آموزشی در شهرها درصد فرزندان با سواد خوش نشینان (که در مهاجرت درصد بیشتری را داشته اند) بیشتر از دهقانان است و بیشتر از آن اکثراً با سوادان روستا هستند که روی به مهاجرت میاورند آنچنانکه ۴/۵۷٪ کل مهاجران ۷ منطقه روستائی ایران که روی به شهرها آورده اند با

سواد بوده اند و در سطح ایران درصد دانش آموزان بالای ۷ سال ۹۰٪ در شهرها و ۳۹٪ درصد در روستا ذکر شده است. ارقام توزیع امکانات آموزشی نیز نسبتی ناعادلانه را بیان میکند چنانکه نسبت دبیرستانهای استان هرمزگان به پایتخت یک صدو دهم بوده و تعداد دبیرستانهای استان تهران هشتاد برابر استان ایلام است.

نقش عوامل روانی و تبلیغی در روند مهاجرت.

اصولاً شهر نشینی و شهری بودن در نظام تبلیغاتی رژیم گذشته بعنوان ارزش و ملاک برتری در اجتماع به حساب می آمد و روستائی، ساده دل کم مقدار تلقی میگردد که از سر نا فهمی و جهالت با به بهشت موعود نمی گذارد. بی شک گروهی از روستائیان بر اثر تحفیر هائی که در گذشته از طرف شهریان بر آنان اعمال می شد، نوعی احساس حقارت و نارضائی نسبت به پایگاه اجتماعی و زندگی روستائی پیدا کرده و به گروه خود بدبین و فله زده و بی اعتنا می شدند و بی شک این احساس حقارت از عوامل مهاجرت روستائیان (خصوصاً قشر جوان و جوانی نام) به شمار می آید.

(فی المثل: ۵۰۰ زن حاشیه نشین و مهاجر تبریز در نظر خواهی که از آنان شده ۴۰٪ زنان شهری را برتر از زنان روستائی دانسته اند) مهاجرت زنان روستائی به شهر تا حد زیادی جنبه تبعی دارد زیرا اغلب به همراه شوهر پدر، یا فرزندان خود مهاجرت میکنند. ازدواجهای بیرون گروهی نیز یکی از عوامل اصلی مهاجرت زنان روستائی است طبق آمار عامل اصلی حدود ده درصد از مهاجران (سالهای ۵۱ - ۴۹) ازدواج بوده است.



بجز عوامل جذب و دفع که خلاصتا به آن اشاره ای شد، تسهیلات اساسی در امر مسافرت کم کم تصور غربت و احساس دلهره خاصی که از محیط های ناشناسی در ذهن روستائی بوجود آورده و در نتیجه سالهای متعادی آنها را در میان کند حصار روستاها و در خم گردنه ها و غرق در روابط خانوادگی و قومی نگاه میداشت زایل گردانیده است. و در واقع اثر روحی فاصله های بعید و مسافتهای دور و خطرناک مربوط به آن از بین رفته است. احداث راههای مناسب و در دسترس بودن وسائلی رقت و آمد، بسیاری از روستائیان مخصوصاً قشر جوان روستا را به شهرهای دور و نزدیک میفرستد و این جوانان بین دو نوع زندگی یکی شهری و دیگری روستائی در کشش و کوشش هستند و این امر تا موقعی که تسلیم یکی از این دو سیکل زندگی شوند، ادامه خواهد یافت.

در شماره آینده به آلام و عوارض ناشی از مهاجرت مشروحاً خواهیم پرداخت.

انشاء ...